



راهنمای مشارکت کودکان در اعتراضات

حقوق، نیازها و آسیب پذیری

حامد فرمند



راهنمای مشارکت کودکان در اعتراضات حقوق، نیازها و آسیب پذیری

حامد فرمند

بنیان گذار و مدیر موسسه بین المللی کودکان زندانیان



توانا
TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



www.tavaana.org

پروژه

e-collaborative
for civic education

www.eciviced.org

راهنمای مشارکت کودکان در اعتراضات
حقوق، نیازها و آسیب‌پذیری

حامد فرمند

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

زمستان ۱۴۰۲

© E-Collaborative for Civic Education 2024

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا تحت 501c3 است که از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیان‌گذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل‌دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک‌تک شهروندان و امنیت، برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندها می‌دانیم که میسر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثرگرایی و جوامعی شایسته‌سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می‌گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزش‌شکده توانا: آموزش‌شکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزش‌شکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب‌نوئسی، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارائه می‌شوند. آموزش‌شکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با کنشگران و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزش‌شکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایران و سدهای حذف‌شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هم‌وطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما!

فهرست

۷	مقدمه
۹	تعریف مشارکت کودکان
۱۱	اصول کلی مشارکت کودکان در فعالیتهای مدنی
۱۳	اصول ۹ گانه مشارکت کودکان
۱۵	برخی چالشهای رایج
۱۹	سطوح و رویکردهای متفاوت در مشارکت کودکان
۱۹	سطوح مشارکت کودکان
۲۲	روشهای مشارکت کودکان
۲۷	عوامل موثر بر اثرگذاری مشارکت کودکان
۲۷	فضا/زمان/فرصت
۲۷	بازتاب صدا
۲۸	مخاطب
۲۸	نفوذ
۲۹	ابزارهای مدیریت خطر
۲۹	دیدبانی و ارزیابی
۳۱	مدیریت خطر
۴۲	قدمهایی برای آینده
۴۴	منبع

مقدمه

حضور پررنگ، تاثیرگذار و پیش‌برنده کودکان در خیزش «زن، زندگی، آزادی» یکی از پدیده‌های برجسته‌ترین مباحث در مورد حقوق کودکان را پیش کشید و کارشناسان و فعالان مختلفی درباره آن اظهار نظر کردند: آیا لزومی به مشارکت کودکان در فعالیت‌های مدنی، اجتماعی و سیاسی وجود دارد؟ آیا مشارکت کودکان در چنین فعالیت‌هایی بدون پیش‌شرط و قیدی است؟ مسئولیت بزرگسالان در زمان مشارکت سیاسی/اجتماعی کودکان چیست؟ رابطه حق کودک بر مشارکت با سایر حقوق او، از جمله حق بر سلامتی و داشتن امنیت چیست؟ و در آخر این که آیا صرف حضور خیابانی و بیان نظرات و خواسته‌ها به اشکال مختلف، مشارکت کودکان را پایان داده و مسئولیت ما در برابر آن‌ها همان‌جا به پایان رسیده است؟ از یک طرف چنین بحث‌هایی در سطح عمومی و کارشناسی، برای جامعه ایران تازگی دارد و از طرف دیگر در جریان پوشش خبری و تحلیل خیزش «زن، زندگی، آزادی» اظهارنظرها درباره مشارکت کودکان در فعالیت‌های سیاسی عمیق و کاملاً کارشناسی نبود. برخی متخصصان در اظهارنظرهای عمومی، کودکان را فاقد توانایی تصمیم‌گیری مستقل و آگاهانه قلمداد می‌کردند یا آثار منفی مشارکت را در عرصه‌ای که «بزرگسالانه» محسوب می‌شود، بیش‌تر از منافع احتمالی آن برمی‌شمردند. همچنین در بسیاری از موارد، صرف حضور خیابانی یا فعالیت‌های اعتراضی کودکان که در قالب تصویر بازنشر می‌شد، به عنوان «شنیده‌شدن صدای کودکان» تلقی شد و مشارکت کودکان از پوشش خبری فراتر نرفت.

بارزترین نشانه این ادعا، نبودن اثر روشن حضور کودکان در منشورها، پیمان‌ها و بیانیه‌هایی است که به‌خصوص از حدود ۶ ماه بعد از آغاز خیزش تدوین و منتشر شدند.

در این جزوه با اتکا به حقوق اساسی کودکان از جمله پیمان‌نامه حقوق کودک و با بهره‌گیری از تجربه و دانش تولید شده در این حوزه، به تدوین راهکارهای متنوع و موثر مشارکت مدنی، اجتماعی و سیاسی کودکان، استراتژی‌های مشارکت و روش دیده‌بانی آن می‌پردازیم. اما چنانچه اشاره شد، اهمیت و لزوم مشارکت کودکان و تعریف دقیق آن برای همه روشن نیست. بنابراین جزوه را با تعریف مشارکت آغاز کردیم و در ادامه نیز به برخی سوالات، ابهامات و برداشت‌های نادرست از مشارکت کودکان و شنیده‌شدن صدای آن‌ها تا حد امکان پاسخ می‌دهیم.

این جزوه تنها برای شرایط ایده‌آل و زمانی که دولت و حکومت مستقر، حقوق شهروندان از جمله کودکان را به رسمیت می‌شناسد و رعایت می‌کند، تنظیم نشده است؛ مخاطب این جزوه تمام فعالان، کنشگران و والدینی هستند که برای تحقق حقوق خود و فرزندان‌شان تلاش و مبارزه می‌کنند. در شرایطی که سال‌هاست کودکان در عرصه‌های مختلف از جمله در سطح قانون‌گذاری در کشورهای مختلف، فعالیت و مشارکت دارند، ما نمی‌توانیم حضور کودکان را نادیده بگیریم و بدون مشارکت آن‌ها نقشه راه آینده ایران را ترسیم کنیم. بنابراین امیدواری ما این است که محتوای این جزوه، نه تنها سطح آگاهی بزرگسالان را در حمایت از کودکان و حقوق‌شان، از جمله حق بر مشارکت، بالا ببرد، بلکه در مسیر پیش رو، که بسیاری از فعالان برای فردای ایران تلاش و ایده‌ها و ایده‌آل‌های خود را تدوین می‌کنند، قابل استفاده و موثر باشد.

تعریف مشارکت کودکان

مانند هر متنی که به کودکان مرتبط است، ابتدا روشن کنیم که منظور ما از «کودک»، طبق تعریف جهانی و پیمان‌نامه حقوق کودک (مصوب سازمان ملل)^۱، هر فرد زیر ۱۸ سال است. گرچه در عمل، مشارکت کودکان و ابراز نظر و عقیده آن‌ها در سنین مختلف، معنا و شکل متفاوتی خواهد داشت، اما در این جزوه به مفهوم کلی و عمومی مشارکت کودکان خواهیم پرداخت و در بخش عملی، بیش‌تر تمرکز بر کودکان نوجوان یا سنین ۱۱ تا ۱۸ سال خواهد بود. همچنان بسیاری از مطالب مطرح‌شده در این جزوه، برای کودکان با سنین کم‌تر نیز قابل‌تعمیم‌دادن است.

مفهوم مشارکت کودکان به صورت مستقیم در پیمان‌نامه حقوق کودک نیامده است، اما آنچه به این مفهوم ارتباط مستقیم دارد، شنیده‌شدن صدای کودکان است که کمیته حقوق کودک سازمان ملل در نظریه تفسیری شماره ۱۲ به آن پرداخته است. در این نظریه علاوه بر تعریف مفهوم شنیدن نظر و صدای کودکان، موضوع مشارکت کودکان نیز به عنوان مفهوم جایگزین یا با هم‌پوشانی بالا با شنیدن صدای کودک، بسط داده شده است. قبل از تعریف کردن مشارکت کودکان، بد نیست اشاره کنیم که مشارکت کودکان چه چیزی نیست.

۱- پیمان‌نامه حقوق کودک، سازمان ملل متحد، ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹.

مشارکت کودکان چه نیست؟

مشارکت کودکان این نیست که به تظاهرات یا اجتماعات برده شوند و در دستشان پلاکارد یا نوشته داده شود؛ در بخش تفریحی یا سرگرمی از آن‌ها استفاده شود؛ تصاویرشان ثبت شود یا توسط بزرگسالان انتخاب شوند و نوشته یا متنی را که بزرگسالان تهیه کرده‌اند، بدون آن که معنایش را بدانند یا به صورت معنادار در تهیه آن نقشی ایفا کرده باشند، بخوانند.

به این ترتیب مشارکت کودکان یعنی فعالیت معنادار آن‌ها در روند تدوین اهداف، برنامه‌ریزی و اجرای یک برنامه و فعالیت که نتایج مشخصی را برای زندگی و در راستای حقوق‌شان به همراه دارد. مشارکت و شنیده‌شدن کودکان، همچنین به لزوم وجود گفت‌وگو و تعامل بین کودکان و بزرگسالان اشاره دارد. نتیجه این فعالیت‌ها قرار است مرکزیت‌دادن به صدا و نظر کودکان در تصمیماتی باشد که بر زندگی آن‌ها اثر مستقیم می‌گذارد. به همین دلیل مشارکت کودکان در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در خانه، مدرسه و جامعه جزء حقوق اساسی کودک محسوب می‌شود.

اصول کلی مشارکت کودکان در فعالیتهای مدنی

مبنای ما برای مشارکت کودکان در فعالیتهای مدنی، اجتماعی و سیاسی، پیمان‌نامه حقوق کودک و اصول پذیرفته‌شده جهانی مرتبط با حقوق کودکان است.

طبق ماده ۴ پیمان‌نامه، کشورهای عضو موظف‌اند از تمام ابزارها و امکانات خود برای تحقق حقوق مندرج در پیمان‌نامه استفاده کنند. یکی از این اصول، اصل شنیده‌شدن نظرات کودکان است که در ماده ۱۲ پیمان‌نامه حقوق کودک تعریف شده است: «کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که کودکی که قادر به شکل‌دادن به عقاید خود می‌باشد حق ابراز آرزو این عقاید را در کلیه امور که به وی مربوط می‌شود داشته باشد و متناسب با سن و میزان رشد فکری کودک به نظرات وی اهمیت لازم داده شود.»

ماده ۱۳ پیمان‌نامه حقوق کودک با تأکید بر حق آزادی بیان، حق بر جست‌وجو، دریافت و ارائه اطلاعات و عقاید را به عنوان حقوق کودک بر می‌شمارد و دولت‌ها را موظف به محافظت از این حقوق می‌کند. در ادامه، ماده ۱۴ علاوه بر به رسمیت‌شناختن «آزادی اندیشه، عقیده و مذهب» برای کودک، کشورهای عضو را موظف می‌کند تا «حقوق و تکالیف والدین، و برحسب مورد سرپرستان قانونی، را در هدایت کودک برای اعمال حقوق خود به روشی هماهنگ با توانایی‌های بالنده وی» محترم بشمارند. همچنین ماده ۱۵ پیمان‌نامه حقوق کودک، از حق «آزادی اجتماعات و شرکت در مجامع مسالمت‌آمیز» دفاع می‌کند. طبق پیمان‌نامه حقوق کودک، گرچه کودک آزاد است تا اندیشه و نظر خود

را شکل بدهد، اما او طبق ماده ۱۶ باید از هر گونه مداخله خودسرانه یا غیرقانونی در «امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات» محافظت شود. ماده ۱۷ پیمان نامه هم با ارجاع به حق کودک برای دسترسی آزاد به اطلاعات، به نقش رسانه‌های گروهی می‌پردازد و دولت‌ها را موظف می‌کند تا به شکل‌های مختلف، زمینه تولید محتوای قابل استفاده برای رفاه اجتماعی، معنوی، اخلاقی و بهداشت جسمی و روانی کودک را فراهم کنند.

گرچه طبق اصول اساسی پیمان نامه حقوق کودک، از جمله اصل «عدم تبعیض» (ماده ۲)، این اصول شامل تمام کودکان می‌شود، اما ماده ۷ پیمان نامه حقوق افراد دارای معلولیت^۱، تاکید می‌کند که کودکان دارای معلولیت باید بتوانند درباره نیازها یا تمام مسائلی که زندگی آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد به صورت آزادانه اظهار نظر کنند.

از طرف دیگر، نظریه تفسیری شماره ۱۲ - تهیه شده توسط کمیته حقوق کودک سازمان ملل، نهاد نظارتی بر اجرای پیمان نامه حقوق کودک - به تفصیل به ماده ۱۲ پیمان نامه و اصل شنیده شدن کودکان پرداخته است. بر طبق این نظریه، حق کودکان بر شنیده شدن، یک اصل پایه‌ای و کلیدی برای اجرای سایر مواد پیمان نامه است. بنا به توضیح اعضای کمیته حقوق کودک سازمان ملل، مشارکت کودکان در فعالیت‌های اجتماعی از طریق اجرایی کردن ماده ۲۹ پیمان نامه حقوق کودک، که مرتبط با محتوای آموزشی به کودکان از جمله «آماده سازی کودک برای یک زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد» است، تقویت خواهد شد.

مشارکت کودکان در نظریه تفسیری عمومی شماره ۲۰ کمیته حقوق کودک سازمان ملل هم تاکید شده است. این نظریه که بر اجرایی کردن حقوق کودکان در مسیر رشد آن‌ها بنا شده است، به اهمیت رویکرد حق محور و احترام به هویت و عاملیت کودکان از جمله در توانمندسازی، شهروندی و مشارکت فعال در فعالیت روزمره پرداخته است.

پذیرش مشارکت کودکان و شنیده شدن صدای آن‌ها، بدون در نظر گرفتن سایر حقوق شان، از جمله اصل عدم تبعیض (ماده ۲)، «منافع عالی کودک» (ماده ۳) و حق کودکان بر زندگی، بقا و رشد (ماده ۶)، می‌تواند سلامت و حتی زندگی کودکان را به خطر بیندازد. بنابراین درک اصل مشارکت کودکان باید همراه با مجموعه اصولی باشد که حقوق

کودکان را به طور فراگیر محافظت کند. در این فصل، علاوه بر شرح اصولی که توسط کمیته حقوق کودک سازمان ملل در نظریه تفسیری شماره ۱۲ قید شده است، به برخی چالش‌هایی که «بزرگسالان» مطرح می‌کنند هم پاسخ می‌دهیم.

اصول ۹ گانه مشارکت کودکان

پیش از هر چیز مشارکت کودکان باید منافع عالی‌ه آن‌ها را تامین کند و به رشد شخصی هر کودک بینجامد. با این حال کمیته حقوق کودک سازمان ملل، نه تنها تضادی بین تامین منافع عالی‌ه کودک و رعایت حق کودک بر شنیده‌شدن و مشارکت نمی‌بیند، بلکه تاکید می‌کند که «هر جا که امکان‌پذیر است» باید امکان شنیده‌شدن صدای کودکان فراهم شده باشد، تا اطمینان حاصل کنیم که منافع عالی‌ه او تامین شده است. توانمندشدن کودکان برای بازگوکردن نظراتشان یکی از ابزارهای مهم محافظت از کودکان به شمار می‌رود. با این مقدمه، اصولی را که در نظریه تفسیری شماره ۱۲ آمده است، شرح می‌دهیم. طبق این نظریه، مشارکت کودکان باید ویژگی‌های زیر را دارا باشد:

۱. شفاف و آموزنده

کودکان باید اطلاعات کامل، شفاف، قابل دسترس، حساس به تفاوت‌ها و متناسب با سن خود را درباره حق خود بر مشارکت و دلیل و میزان مشارکت‌شان، در اختیار داشته باشند.

۲. داوطلبانه

کودکان نباید برای مشارکت و به‌اشتراک‌گذاشتن ایده‌هایشان مجبور شوند. مشارکت باید آزادانه و داوطلبانه باشد. آن‌ها همچنین باید بتوانند در هر زمانی از مشارکت خارج شوند.

۳. همراه با احترام

بزرگسالان باید ایده‌ها، فعالیت و حضور مشارکتی کودکان در خانواده، مدرسه، فعالیت‌های فرهنگی و کاری را به رسمیت بشناسند، به آن احترام بگذارند و از آن حمایت کنند. همچنین در جریان مشارکت، مذهب و پیشینه فرهنگی-اجتماعی کودکان باید در نظر گرفته شود.

۴. مرتبط

کودکان باید این امکان را داشته باشند تا نقشه راه مشارکت خود را متناسب با دانش، تجربه و توانایی خودشان ترسیم کنند و نظر خود را درباره موضوعاتی که واقعا به زندگی خودشان مرتبط است بیان کنند.

۵. دوستدار کودک

محیط و روش مشارکت باید با ظرفیت و علاقه کودکان متناسب و هماهنگ شده باشد.

۶. فراگیر

تمام کودکان حقوق برابر و بدون تبعیض برای مشارکت دارند. مشارکت باید گروه‌های به‌حاشیه‌رانده شده با سنین، جنسیت و هویت جنسی، توانایی و پیشینه متفاوت را در بر بگیرد. علاوه بر تبعیض‌های مبتنی بر جنسیت، اتنیک و توانایی، باید از شکل‌های دیگر غیرفراگیر شدن مشارکت کودکان نیز جلوگیری کرد. یکی از این اشکال، تمرکز بر کودکان با برچسب «حرفه‌ای» است.

یکی از روش‌های کمک به رشد تمام کودکان در مسیر مشارکت، داشتن برنامه‌های آموزشی مداوم و استفاده از کودکان بزرگسال و جوانان برای آموزش سایر کودکان با نظارت بزرگسالان است.

۷. پشتیبانی شده با آموزش

کودکان و بزرگسالان باید در زمینه مشارکت کودکان آموزش ببینند و بزرگسالان باید بتوانند به عنوان تسهیل‌گر و مربی در این حوزه نقش ایفا کنند.

۸. امن و حساس به خطرات

اظهار عقیده و ابراز نظر می‌تواند با خطراتی همراه باشد. تمام کودکان حق محافظت شدن در برابر کنترل، خشونت، آزار و بهره‌کشی را دارند. به این ترتیب هر فعالیتی که کودکان در آن نقش دارند باید با استراتژی‌های شناسایی و کاهش خطر انواع بدرفتاری همراه باشد و محیط امنی را برای فعالیت کودکان فراهم کند. برای

حفظ امنیت و سلامت کودکان باید تمام ابزارها را به کار گرفت، از جمله هماهنگی با خدمات‌دهندگان محلی سلامت و درمان. از طرف دیگر، کودکان باید در فعالیتهای مرتبط با شناسایی و کاهش ریسک مشارکت داشته باشند و بدانند در صورت نیاز به کمک، به کجا می‌توانند مراجعه کنند.

از جمله مواردی که در زمینه مشارکت کودکان باید رعایت شود، زمان فعالیت است که باید با شرایط سنی کودکان هم‌خوانی داشته باشد.

یکی از موارد به خطر انداختن کودکان، تصویربرداری و ضبط تصویری و صوتی فعالیت کودکان است. کودکان باید کاملاً در جریان باشند که تصویر و اطلاعاتشان در کجا و به چه منظوری منتشر خواهد شد. رسانه‌هایی که قصد پوشش فعالیت کودکان را دارند باید از استانداردهای بالایی پیروی کنند که تمام حقوق کودکان را محافظت کنند.

از طرف دیگر مشارکت کودکان نباید آن‌ها را در موقعیت استرس‌زایی قرار دهد.

۹. پاسخ‌گو

کودکان باید اطلاعات شفافی دریافت کنند تا بدانند مشارکت‌شان چه دستاوردی داشته است و باید برای به‌اشتراک گذاشتن نتایج با همسالان خود حمایت شوند.

اصول ۹ گانه مشارکت کودکان

همراه با احترام	داوطلبانه	شفاف و آموزنده
فراگیر	دوستدار کودک	مرتبط
پاسخ‌گو	امن و حساس به خطرات	پشتیبانی‌شده با آموزش

برخی چالش‌های رایج

■ کودکان فاقد صلاحیت لازم برای مشارکت هستند

کودکان در حوزه‌های متفاوت از جمله در فعالیت‌های بشردوستانه، صلاحیت و توانایی خود را برای حفاظت از خودشان، خانواده، دوستان و اجتماع‌شان نشان داده‌اند. کودکان هم مانند بزرگسالان سطح متفاوتی از توانایی را دارند. اما بزرگسالان لازم است چشم و گوش‌شان را برای تشخیص و ارزش گذاشتن به صلاحیت کودکان با هر سن و جنسیتی باز کنند.

■ کودکان باید ابتدا مسئولیت‌پذیری بیاموزند

مشارکت، اقدام موثری برای کودکان است تا مسئولیت بپذیرند و مسئولیت‌پذیری را بیاموزند. مشارکت در مقابل مسئولیت‌پذیری قرار نمی‌گیرد، بلکه برعکس، زیربنای آن است. شنیدن کودکان و جدی گرفتن آن‌ها، قدم مهمی برای مسئولیت‌پذیر کردن آن‌هاست.

■ کودکان کودکی خود را از دست خواهند داد

مشارکت کودکان باید داوطلبانه و بدون فشار بر دوش آن‌ها باشد. به این ترتیب اگر اصول مشارکت کودکان رعایت شود، مشارکت نه تنها به از دست دادن کودکی نخواهد انجامید، بلکه بخشی از مسیر رشد کودکان را تضمین خواهد کرد. در بخش‌های بعدی به خطراتی که کودکان را در حکومت‌های دیکتاتوری تهدید می‌کند، خواهیم پرداخت.

■ برای فراهم کردن زمینه مشارکت کودکان در موقعیت‌های «اقدام فوری»

فرصت کافی نداریم

بهانه «نداشتن زمان» به اهمیت نداشتن موضوع «مشارکت کودکان» در سنت امدادسانی و فعالیت‌های محلی بازمی‌گردد. این سنت باید اصلاح شود تا کودکان در هر شرایطی از جمله در موقعیت‌های «اقدام فوری» جایگاه خود را پیدا کنند، صدایشان شنیده و نظراتشان لحاظ شود.

بزرگسالان لازم است چشم و گوش‌شان را برای تشخیص و ارزش‌گذاری به صلاحیت کودکان، با هر سن و جنسیتی، باز کنند.

■ مشارکت کودکان، جان و سلامت آن‌ها را به خطر می‌اندازد

در اصل مشارکت کودکان، زمینه محافظت از آن‌ها و حقوق‌شان را گسترش می‌دهد. کودکان از طریق مشارکت امکان بیان مشکلات و چالش‌هایشان را پیدا می‌کنند تا جامعه، شرایط آن‌ها را بهتر درک کند و راهی برای حمایت از آن‌ها بیابد. به این ترتیب مشارکت، تاب‌آوری کودکان را افزایش خواهد داد. البته شرایطی، از جمله پوشش رسانه‌ای و شناسایی شدن، ممکن است به دلیل آثار بلندمدتی که بر کودکان خواهد گذاشت، موجب عدم رعایت منافع عالی‌ه آنان شود. اما شناسایی و کاهش سیستماتیک خطرات می‌تواند به حفاظت از کودکان کمک کند. رعایت اصول ۹گانه ذکر شده و دیدبانی شرایط، می‌تواند در مدیریت خطر کمک کند.

اما این چالش زمانی جدی‌تر خواهد شد که حکومت به جای انجام مسئولیت خود، یعنی حفاظت از کودکان و حقوق‌شان، به صورت سیستماتیک این حقوق را نادیده بگیرد. در چنین شرایطی، از یک‌سو مشارکت کودکان با خطرات جدی روبروست و از سوی دیگر نه تنها این حق را نمی‌توان از آن‌ها دریغ کرد، بلکه به دلایل مختلف امکان جلوگیری از مشارکت و فعالیت مدنی، سیاسی و اجتماعی کودکان وجود ندارد. در ادامه این جزوه به راه‌های مختلف مشارکت و اقدامات مرتبط با کاهش خطرات خواهیم پرداخت که می‌تواند به کاهش آسیب‌ها برای کودکان در این حوزه منجر شود.

■ کودکان می‌توانند توسط بزرگسالان کنترل شوند

بزرگسالان می‌توانند از طریق اعمال روش غیراخلاقی و بی‌کیفیت، کودکان را کنترل کنند و نتایج دلخواه خودشان را از مشارکت آن‌ها به دست بیاورند، اما دقیقاً به همین دلیل است که ما نیاز به درک درست تعریف مشارکت کودکان و داشتن برنامه دقیق نظارت و پیشگیری از اعمال قدرت و کنترل‌گری بزرگسالان داریم.

■ خطر سیاست زده شدن کودکان

کودکان باید این امکان را داشته باشند که بتوانند به هر آسیب، مشکل یا مسئله‌ای از زوایای مختلف نگاه کنند. این، وظیفه بزرگسالان است تا از هل داده شدن کودکان به تحلیل و زاویه نگاه حزبی/جناحی یا گروه سیاسی خاصی جلوگیری کنند.

کودکان از طریق مشارکت امکان بیان مشکلات و چالش‌هایشان را پیدا می‌کنند تا جامعه، شرایط آن‌ها را بهتر درک کند و راهی برای حمایت از آن‌ها بیابد.

سطوح و رویکردهای متفاوت در مشارکت کودکان

سطوح مشارکت کودکان

مشارکت کودکان می‌تواند در سطوح مختلفی از تصمیم‌گیری، تغییر قوانین و رویه‌ها تا آگاهی‌سازی اتفاق بیفتد. برخی از نهادها این سطوح را به شکل زیر طبقه‌بندی کرده‌اند (هرچند در عمل، بسیاری از این فعالیت‌ها همپوشانی دارند و خط‌کشی دقیق بین آن‌ها امکان‌پذیر نیست):

۱- مشارکت در تصمیماتی که بر کودکان به عنوان فرد تاثیر می‌گذارد

این تصمیمات از قوانین و مقررات حکومتی مانند قوانین مرتبط با افراد - کودکان - دارای معلولیت تا تصمیمات یک نهاد محلی مانند مدرسه را شامل می‌شود.

۲- مشارکت در افزایش دانش

مشارکت کودکان به صورت غیرمستقیم به بالابردن سطح آگاهی عمومی در مورد نیازهای آنان خواهد انجامید. اما کودکان به صورت مستقیم هم می‌توانند در زمینه آگاهی‌سازی عمومی در زمینه‌های مختلف فعالیت کنند.

این سطح از مشارکت می‌تواند به تغییر هنجارها و رفتار اجتماعی بینجامد. هنجارها و ارزش‌های اجتماعی گاهی می‌توانند مانع مشارکت کودکان در حوزه‌های عمومی و خصوصی شوند. بسیاری از کودکان به‌خصوص دختران از زیرسوال‌بردن و به نقد کشیدن

بزرگسالان و به اشتراک گذاشتن افکار خودشان منع می‌شوند. تبعیض تنها شامل افراد با جنسیت‌های متفاوت نمی‌شود. کودکان با توانایی‌های متفاوت، مانند کودکان معلول و کودکان متعلق به گروه‌های قومی و مذهبی متفاوت نیز تبعیض را تجربه می‌کنند. علاوه بر کودکان که باید بتوانند آزادانه و بدون خطر مجازات علیه هنجارها و فرهنگی که جلوی مشارکت آن‌ها را می‌گیرد، اقدام کنند، رسانه‌ها نیز می‌توانند نقش موثری در تغییر رفتارها و فرهنگ نقش ایفا کنند. افراد و گروه‌های تاثیرگذار نیز با ایجاد فرصت‌های بحث و گفت‌وگو در فضاهای مجازی یا در گروه‌های اجتماعی می‌توانند نقش موثری در ایجاد چنین تغییرات مثبتی ایفا کنند. تسهیل‌گری فضای گفت‌وگوی بین‌نسلی نیز می‌تواند در تغییر مثبت هنجارهای اجتماعی کمک‌کننده باشد.

افزایش آگاهی کودکان و بالابردن مهارت مشارکت در آن‌ها، از دیگر نتایج این سطح از مشارکت کودکان خواهد بود. نکات زیر در روند آموزش کودکان اهمیت دارد:

- رویکرد آموزشی باید مبتنی بر حقوق کودک باشد. به این ترتیب کودکان باید آگاهی کافی از حقوق خود کسب کنند.
- تمام کودکان به صورت برابر و بدون تبعیض باید بتوانند مهارت‌های خود را افزایش دهند و در این روند مشارکت داشته باشند.
- مهارت و دانش کودکان در حوزه ترویج‌گری، رسانه و فضای مجازی باید افزایش پیدا کند. بالابردن دانش کودکان در حوزه مولتی‌مدیا، مانند استفاده از بلاگ، موسیقی، عکاسی، تهیه فیلم، شبکه‌های اجتماعی، برنامه‌های رادیویی و کارتون‌های دیجیتال می‌تواند کمک موثری به آن‌ها برای فعالیت‌های مشارکتی داشته باشد. این آموزش‌ها می‌تواند از طریق آموزش‌های آن‌لاین، مربی‌گری یا آموزش از طریق هم‌سالان اتفاق بیفتد.
- کودکان باید به تمام اطلاعاتی که به آن‌ها مرتبط است دسترسی داشته باشند.
- افزایش آگاهی و بالابردن مهارت کودکان می‌تواند به صورت رسمی یا به شیوه‌های غیررسمی، مثل مراکز نوجوانان، مراکز و اجتماعات کودکان و کمپ‌های پناهندگان اتفاق بیفتد. به دلیل یادگیری کودکان از هم‌سالان‌شان، داشتن برنامه برای آموزش از طریق هم‌سالان و کمک‌گرفتن از گروه‌های سنی مختلف برای برنامه‌ریزی آموزشی اهمیت زیادی دارد. همچنین فعالیت‌های داوطلبانه کودکان در فعالیت‌های محلی و

نهادهای مدنی راه دیگری برای بالابردن دانش کودکان و مهارت‌آموزی به آنان است. کودکان باید برای راه‌اندازی نهادهای خودشان، تشکیل گروه‌های مشاوره‌ای در مدارس و مراکز تصمیم‌گیری محلی نیز حمایت شوند.

از دیگر نتایج مهم این سطح از مشارکت کودکان، افزایش آگاهی و بالابردن مهارت بزرگسالان است. بزرگسالان باید در مورد حقوق کودک، رشد کودکان، مشارکت کودکان و راه‌های حفاظت از آن‌ها آموزش ببینند. آموزش‌های اساسی مانند برقراری ارتباط، گوش‌دادن موثر، مذاکره و تعامل از آموزش‌های مهم برای بزرگسالان محسوب می‌شود.

تمام بزرگسالانی که با کودکان سروکار دارند، مانند معلمان، حقوق‌دانان و وکلا، قضات، نیروهای پلیس، مددکاران اجتماعی، فعالان اجتماعی، کارشناسان حوزه سلامت و قانون‌گذاران باید این آموزش‌ها را ببینند.

۳- مشارکت در محافظت از حقوق

فعالیت کودکان در زمینه حق برخورداری از محیط زیست سالم می‌تواند یکی از نمونه‌های عینی چنین فعالیتی قلمداد شود.

۴- مشارکت در ایجاد تغییر

گرچه مشارکت در حوزه «تصمیمات» یا «محافظت از حقوق» می‌تواند به ایجاد تغییر منجر شود، اما کودکان ممکن است به صورت مستقیم برای ایجاد تغییر مشخص یک قانون، رفتار یا تصمیم، فعالیت اجتماعی، مدنی یا سیاسی انجام دهند. مثلاً فعالیت کودکان دختر علیه حجاب اجباری می‌تواند در راستای چنین سطحی از فعالیت تعریف شود.

ترویج‌گری برای اصلاح و بهبود قوانین، دستورالعمل‌ها و بودجه را نیز می‌توان در این سطح از مشارکت ارزیابی کرد. اقدامات فعالان اجتماعی نوجوان دارای معلولیت در زمینه حقوق و نیازهای جامعه خود، از جمله نمونه‌های این شکل از مشارکت کودکان است.

پایه این شکل از مشارکت این است که حق کودکان برای مشارکت در تمام ابعاد زندگی‌شان باید توسط قانون‌گذاران و سیاستمداران به رسمیت شناخته شود. با به رسمیت‌شناختن حق مشارکت کودکان و دخالت‌دادن آن‌ها در تنظیم قوانین،

دستورالعمل‌ها و راهکارها و اختصاص بودجه لازم برای این کار، مشارکت به یک فعالیت ساختاری تبدیل و از نگاه کوتاه‌مدت و لحظه‌ای به آن جلوگیری می‌شود. کودکان باید بتوانند در تنظیم و اصلاح قوانین و دستورالعمل‌های مرتبط با آموزش، دادگاه‌ها، نهادهای شبه خانواده، بهداشت و سلامت، محیط‌های کار و جامعه مشارکت داشته باشند.

۵- مشارکت در تقویت نهادهای حکومتی

در ساختارهای دموکراتیک و حکومت‌های پشتیبان حقوق کودکان، بخشی از مشارکت کودکان می‌تواند در راستای تقویت نهادهای حکومتی باشد. مثلاً در برخی از کشورها، مجالس قانون‌گذاری محلی یا ملی، صندلی‌هایی را به کودکان اختصاص می‌دهند. این سطح از فعالیت، گرچه در راستای «ایجاد تغییر» و «حفاظت از قانون» قابل ارزیابی است، اما به «تقویت نهادهای حکومتی» نیز منجر خواهد شد.

۶- مشارکت در دیدبانی رعایت حقوق

کودکان همچنین چه از طریق مشارکت در نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی و چه به شکل مستقیم، می‌توانند به رعایت حقوق خودشان اقدام کنند.

فعالیت کودکان دختر علیه حجاب اجباری می‌تواند در راستای سطح «ایجاد تغییر» از فعالیت‌های مشارکتی تعریف شود.

روش‌های مشارکت کودکان

چنانچه در بخش قبل و در بررسی «برخی چالش‌های رایج» اشاره شد، روش‌های مختلفی برای مشارکت کودکان وجود دارد که متناسب با شرایط می‌توان از آن‌ها بهره گرفت و با در نظر گرفتن اصول حاکم بر مشارکت، ممکن است بتوانند در راستای کاهش خطر، به‌خصوص در شرایط حاکم بر ایران، کمک‌کننده باشند. اما به طور کلی مشارکت کودکان

باید در تمام مراحل تحقیق، تحلیل، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت مشارکتی باشد. کودکان همچنین باید بتوانند به صورت گروهی و در قالب نهاد و سازمان فعالیت مشارکتی داشته باشند.

یک: روش مبتنی بر مشورت

در این روش، بزرگسالان نقش محوری در طراحی و اداره فعالیت مشارکتی کودکان ایفا می‌کنند. کودکان امکان کم‌تری برای کنترل نتایج مشارکت خود دارند، اما همچنان اهمیت دارد که دیدگاه، دانش و تجربه کودکان در نظر گرفته شود.

موسسه ملی حقوق بشر^۱، که با حمایت سازمان ملل برای توسعه و ترویج حقوق بشر در کشورهای عضو سازمان ملل متحد ایجاد شده است، یکی از نمونه‌های موفق چنین رویکردی را برنامه مهاجرتی کشور سوئد معرفی کرده است. دولت سوئد در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ با ملاقات و شنیدن روایت ۶۰۰ کودک و نوجوان و مصاحبه با ۱۴۵ کودک بین ۵ تا ۱۸ سال که با یا بدون خانواده به سوئد مهاجرت کرده بودند، برنامه مهاجرتی خود را متناسب با نیاز و تجربه این افراد بازنگری و تنظیم کرد.

به دلایل مختلفی می‌توان از این روش برای اجرای سیاست‌های مرتبط با کودکان و برای اطمینان از رعایت حقوق آن‌ها و اصل شنیده‌شدن صدای آن‌ها استفاده کرد. از جمله این دلایل می‌تواند گروه سنی، گستردگی گروه کودکان متأثر از سیاست‌گذاری‌ها و بودجه مورد نیاز برای مشارکت باشد. در نمونه موفق سوئد، بودجه چنین اقدام بزرگی توسط دولت تأمین شده و تعداد وسیعی از کودکان به صورت غیرمستقیم در طرحی که آن‌ها را به صورت مستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهد، مشارکت کردند. اما این شکل از مشارکت می‌تواند در برنامه‌های مختلف مرتبط با کودکان در ایران و با دلایل دیگری از جمله حفظ امنیت کودکان اجرایی شود. همچنین در برخی موارد، موانعی مانند نداشتن اوراق هویتی یا تبعیض‌های مبتنی بر قومیت و ملیت می‌تواند مانع از شنیده‌شدن کودکان در سطوح تصمیم‌گیری شود. این شکل از مشارکت می‌تواند تا حدی بر این مانع غلبه کند. به عنوان مثال نهادها یا فعالان مدنی می‌توانند با رعایت تمام اصول مرتبط با مشارکت کودکان،

1- <https://www.ohchr.org/en/countries/nhri>

زمینه شنیده شدن صدای کودکان، از جمله کودکان کار یا کودکان مهاجر را در سطوح برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرایی فراهم کنند. در مورد فعالیت‌های سیاسی نیز ممکن است این شکل از فعالیت بتواند از طرف فعالان سیاسی، اجتماعی و مدنی در طرح‌ها، منشورها و برنامه‌ریزی‌هایشان مورد استفاده قرار گیرد.

دو: روش مبتنی بر همکاری

در این روش، که همچنان اهداف توسط بزرگسالان تدوین و اجرایی می‌شود، کودکان در مسیر تهیه اهداف، برنامه‌ریزی و اجرای مشارکت نقش پررنگ ایفا می‌کنند. در این رویکرد، کودکان در طول زمان توانمند می‌شوند تا فعالیت‌هایی را شخصا اداره و اجرا کنند. به عنوان نمونه، موسسه «حفاظت از حقوق کودکان» در صربستان پنل «مشاوران جوان» را ایجاد کرد و از طریق این گروه، تحقیقاتی را در مورد خشونت در مدارس و تنبیه بدنی انجام داد. نتایج این تحقیقات که با مشارکت کودکان اجرایی شد، در گزارشات و نشریات این موسسه منتشر شد. این گروه همچنین مناظره‌های عمومی بین کودکان و بزرگسالان در این موارد تشکیل داد و در نهایت پیشنهادات و توصیه‌هایی را منتشر کرد. این روش به‌خصوص برای کودکان سنین ۱۱ یا ۱۲ سال به بالا بسیار کاربردی است. این روش که آموزش را هم در دل خود دارد، می‌تواند در عین حال که زمینه مشارکت عملی‌تری را برای کودکان فراهم می‌کند، به محافظت از آن‌ها نیز بینجامد. گرچه در حکومت‌هایی مانند نظام فعلی حاکم بر ایران، نکات امنیتی زیادی، به‌خصوص برای انجام فعالیت‌های جمعی، باید در نظر گرفته شود، اما با در نظر داشتن این که کودکان باید بتوانند در مسیر تدوین خواسته‌ها، اهداف، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته باشند، چنین روشی می‌تواند مفید باشد. به این ترتیب بزرگسالان می‌توانند با خلاقیت و ابتکار خود، ضمن حفظ حقوق و امنیت کودک، زمینه مشارکت عملی کودکان را فراهم کنند. به عنوان مثال یکی از اقداماتی که برخی از والدین به ابتکار خودشان در جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی» اختیار کردند، هم‌فکری با کودکان در طراحی پوسترها، پلاکاردها، متون نوشته‌شده روی آن‌ها و در نهایت نوشتن آن‌ها بود. کودکان با رعایت سایر موارد امنیتی، از جمله مراقبت‌شدن در جریان اعتراضات/تظاهرات، در مجموعه فعالیت‌های مرتبط با اعتراضات نقشی موثر ایفا می‌کردند. یادآوری

می‌شود که آنچه در این مسیر اهمیت دارد این است که اصول مشارکت کودکان رعایت شود؛ به این معنا که آنچه اجرایی می‌شود، خواست و نظر کودک باشد و کودک و نظراتش توسط بزرگسالان هدایت و کنترل نشده باشد. این که خواست کودک با خواست بزرگسالان مشابهت دارد کافی نیست برای این که خواست آن‌ها را ناشنیده بگیریم و خواسته‌های خودمان را به نام آن‌ها طرح کنیم. آن‌ها باید فرصت آزادانه برای ابراز نظر در کنار فرصت کافی و آزادانه برای کسب اطلاعات و شکل دادن به نظرات خود را داشته باشند.

آنچه در اجرای روش «مبتنی بر همکاری» اهمیت دارد این است که آنچه اجرایی می‌شود، خواست و نظر کودک باشد و کودک و نظراتش توسط بزرگسالان هدایت و کنترل نشده باشد.

سه: روش مشارکت با رهبری کودکان و نوجوانان

در این رویکرد، مشکل توسط خود کودکان شناسایی می‌شود، بزرگسالان نقش تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند و کودکان اجرا و نتایج مشارکت خود را کنترل می‌کنند.

به عنوان نمونه، در حالی که در ایرلند شمالی قانون و قواعد مشخصی برای مشارکت کودکان در موضوعاتی که به سرنوشت آن‌ها مرتبط است، وجود ندارد، «کمیساریای کودکان و افراد جوان در ایرلند شمالی» برنامه‌ای را با رهبری اعضای نوجوان خود اجرایی کرد. این برنامه با هدف بالابردن آگاهی کودکان درباره مشارکت‌شان در مدارس و نتایج مثبت این مشارکت اجرایی شد. نتایج این فعالیت به عنوان «نمونه‌های موفق» مشارکت کودکان و نیازهای کودکان برای ایجاد تغییر در سیاست‌ها معرفی شدند. این گروه پیشنهاداتی را برای ارائه به وزارت آموزش ایرلند شمالی تهیه و ارائه کرد.

آنچه ما در جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی» در ایران دیدیم، نمونه غیربرنامه‌ریزی شده از این شکل مشارکت، بدون تسهیل‌گری عملی و مشخص بزرگسالان بود. کودکان، عمدتاً دختران نوجوان در مدارس و خارج از مدرسه به شکل‌های مختلف در سطح «ایجاد تغییر» به مشارکت در فعالیت مدنی و سیاسی جاری در کشور پرداختند. طبق آنچه از خواسته‌ها و فعالیت‌های نوجوانان قابل درک بود، آن‌ها تغییر را هم در سطح

قوانین، مشخصاً قوانین ضد زن و تبعیض آمیز در حوزه‌های مذهبی و قومی، می‌خواستند و هم در سطح سیاسی. فعالیت مشارکتی آن‌ها البته در سطوح «محافظت از حقوق» - مانند محافظت از حق آزادی پوشش، حق آزادی ابراز عقیده و حق جان و سلامتی - و سطح «افزایش دانش» نسبت به حقوق خودشان، از جمله حق مشارکت، قابل مشاهده بود. اگر از خشونت بدون حد حکومت در برابر منتقدان، مخالفان و معترضان بگذریم، یکی از کمبودهای مشهود در این شکل از مشارکت کودکان، مشخص نبودن جایگاه بزرگسالان، به عنوان تسهیل‌گر بود.

آنچه مادر جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی» در ایران دیدیم، نمونه غیربرنامهریزی شده از شکل «مشارکت با رهبری کودکان و نوجوانان»، بدون تسهیل‌گری عملی و مشخص بزرگسالان بود.

از آن‌جا که نمی‌توان نسخه‌ای برای فعالیت مدنی، اجتماعی و سیاسی کودکان پیچید، تنها می‌توانیم امیدوار باشیم تا با در نظر گرفتن شکل‌های مختلف مشارکت کودکان که بر شمرده‌ایم و لحاظ کردن آنچه به عنوان ارزیابی و کنترل خطر در ادامه و در بخش «ابزارهای مدیریت خطر» خواهیم گفت، بزرگسالان بتوانند روش‌های مناسبی برای تسهیل‌گری خود بیابند یا بتوانند کودکان را در شکل‌های دیگر مشارکت همراهی کنند.

روش‌های مشارکت کودکان

روش مشارکت با رهبری
کودکان و نوجوانان

روش مبتنی بر همکاری

روش مبتنی بر مشورت

عوامل موثر بر اثرگذاری مشارکت کودکان

فضا/زمان/فرصت

کودکان نیاز به فرصت امن و برابری دارند تا در محیط و زمان مناسبی به بیان آزادانه نظرات و ایده‌هایشان بپردازند.

ایجاد محیط پایدار مشارکت و فعالیت اجتماعی کودکان باید جزء تعهدات سازمان‌ها در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های مشارکتی باشد. این امید وجود دارد که از طریق این تعهد، انگیزه مشارکت گروه‌های متنوع بالاتر برود و کودکان در فعالیت‌های مختلف وارد شوند.

بازتاب صدا

کودکان باید اطلاعات کافی برای شکل‌دادن به نظرات و ایده‌هایشان در اختیار داشته باشند و در عین حال از تمام امکانات برای بازتاب‌دادن به نظرات‌شان از هر طریقی که مایل بودند برخوردار باشند. این راه‌ها شامل رسانه‌های جمعی، رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی و در قالب صدا، تصویر، نوشته، هنر یا هر فرم دیگری می‌شود.

ایجاد محیط پایدار مشارکت و فعالیت اجتماعی کودکان باید جزء تعهدات سازمان‌ها در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های مشارکتی باشد.

مخاطب

صدا و نظر کودکان باید از طرف افراد صاحب قدرت و بزرگسالان محترم شمرده و جدی گرفته شود. این افراد هم مسئولان دولتی و قانون‌گذاران را شامل می‌شود و هم والدین، مددکاران اجتماعی، معلمان، متخصصان و روزنامه‌نگاران را.

نفوذ

نظرات کودکان باید توجه کافی را دریافت کند و آن‌ها باید به‌موقع از نتایج نظرات و مشارکت خود مطلع شوند.

عوامل موثر بر اثرگذاری مشارکت کودکان

نفوذ

مخاطب

بازتاب صدا

فضا/زمان/فرصت

ابزارهای مدیریت خطر

همان‌طور که تا این‌جا تلاش کردیم تا علاوه بر گفتن نکات عمومی و کلی، به مصداق‌های مشارکت در فضای ایران هم بپردازیم، در این بخش نیز علاوه بر بیان نکته‌های عمومی در مورد ارزیابی و مدیریت خطر، با کمک‌گرفتن از نمونه‌هایی از موقعیت‌های بالقوه و بالفعل مشارکت کودکان در ایران، ابزارهایی کاربردی‌تر را در اختیار خواننده قرار می‌دهیم.

۱- دیدبانی و ارزیابی

برای دیدبانی و ارزیابی موثر مشارکت کودکان، در نظر گرفتن شاخص‌هایی در حوزه‌های زیر ضروری است:

الف- ساختار مشارکت

اطمینان از تدوین قوانین و سیاست‌گذاری‌هایی که حقوق کودکان را تضمین کند. این قوانین تنها شامل حکومت و نظام سیاسی نمی‌شود.

به عنوان مثال، اطمینان از این‌که حق کودک بر مشارکت، در شکل دادن به ساختار فعالیت مشارکتی کودک لحاظ شده است. در قوانین جمهوری اسلامی، حق کودکان بر شنیده‌شدن و مشارکت به شکل روشنی تعریف نشده است. البته اصل ۲۷ قانون اساسی در مورد آزادی مشروط تجمعات، در مورد کودکان نیز صادق است. هرچند بنا به تجربه و با توجه به ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، حتی در صورت وجود چنین قانونی، تضمینی برای اجرای آن وجود نداشت.

اما در نبود چتر حمایتی برای کودکان از سوی حاکمیت، مسئولیت حفاظت از کودکان و رعایت حقوقشان از شانه سایر شهروندان برداشته نمی‌شود. برای تضمین حق مشارکت کودکان، نهادهای مدنی، فعالان سیاسی، رسانه‌ها و سایر گروه‌ها باید در ساختار، قواعد، سیاست‌گذاری‌ها و رفتارهای خود که به زندگی کودکان مرتبط است، بازنگری کنند تا حق آن‌ها بر مشارکت را تضمین کنند. این را هم فراموش نکنیم که کم‌تر فعالیتی هست که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، کوتاه‌مدت و بلندمدت بر زندگی کودکان اثر نگذارد.

ب - روند مشارکت

عملیاتی کردن ارزش‌های حقوق کودک و اصول مرتبط با مشارکت در تمام مراحل فعالیت مشارکتی، شامل طرح‌ریزی و هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا:

برگزاری برنامه‌های آموزشی یا ایجاد و اجرای سیستم مشارکت برای تضمین مشارکت کودکان در تمام مراحل فعالیت مشارکتی می‌تواند راهی برای تضمین این حق باشد. به عنوان مثال، افزایش آگاهی نسبت به مشارکت کودکان در جامعه از طریق ایجاد فرصت‌های گفت‌وگوی رسانه‌ای یا نشست‌های جمعی با مشارکت خود کودکان، نه تنها به آموزش بزرگسالان در این زمینه کمک می‌کند بلکه با نقش‌دادن به کودکان، این حق را در عمل هم اجرایی می‌کند.

چنانچه اشاره شد، جمهوری اسلامی در عمل نه تنها حق کودکان بر مشارکت را رعایت نمی‌کند، بلکه برای نقض این حق، مجموعه دیگری از حقوق کودکان از جمله حق حیات آن‌ها را نیز نادیده می‌گیرد. در چنین شرایطی همچنان حمایت حداکثری بزرگسالان از حقوق کودکان برای کاهش خطرات مشارکت کودکان ضروری است. از جمله اصول پیش‌گفته در مورد مشارکت کودکان در فصل «اصول کلی مشارکت کودکان در فعالیت‌های مدنی»، اصل «مشارکت امن و حساس به خطرات» است. مداخله بزرگسالان می‌تواند از طریق شکل‌های مختلف حضور فعالانه به عنوان تسهیل‌گر/حامی یا تعامل با کودک برای اجرای شکل‌های متنوع و کم‌خطرتر مشارکت باشد.

ج- نتایج

در بخش نتایج حاصل از مشارکت کودکان باید اطمینان حاصل کرد که کودکان از فعالیت

خود به نتایج واقعی در زندگی خود دست پیدا می‌کنند. ارزیابی تناسب نتایج به دست آمده با نیازها و خواست‌های کودکان می‌تواند میزان موفقیت مشارکت کودکان را نشان دهد. باز هم اگر سنگ‌اندازی حکومت در مسیر مشارکت موثر کودکان را کنار بگذاریم، داشتن سازوکاری برای ارزیابی نتایج حاصل از مشارکت کودکان، بر عهده بزرگسالان اطراف آن‌هاست.

گرچه خیزش «زن، زندگی، آزادی» هنوز به نتایج مورد انتظار خودش نرسیده است، اما مدون کردن اندیشه و خواست گروه‌ها در قالب منشورها و بیانیه‌ها را می‌توان بخش مهمی از دستاورد این خیزش به حساب آورد که به تداوم آن و جهت‌دادن به حرکت‌های اجتماعی بعدی کمک خواهد کرد. به این ترتیب، یک سوالات اساسی از نهادها و فعالان مدنی، سیاسی و حقوق بشری در داخل و خارج از ایران این است که کودکان در روند دقیق کردن، روی کاغذ آوردن و انتشار خواست‌ها و نظرات شهروندان به عنوان برآیند همفکری گروهی، در کجا قرار داشتند؟ شواهد تا کنون نشان روشنی از حضور فعال، معنادار و منطبق با اصول طرح‌شده توسط کمیته حقوق کودک سازمان ملل در این روند را به ما نشان نمی‌دهد. با رعایت اصول امنیتی و مراقبت از کودکان، باید اطمینان حاصل کرد که صدای کودکان انعکاس دقیقی در چنین متن‌ها و مطالباتی پیدا می‌کند و کودکان نقش موثر و معناداری در شکل‌دادن به نظرات خودشان، انتشار و انعکاس آن و در آینده، اجرای آن دارند و خواهند داشت.

کم‌تر فعالیتی هست که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، کوتاه مدت و بلندمدت بر زندگی کودکان اثر نگذارد.

۲- مدیریت خطر

الف- شناسایی خطرات

- ارزیابی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عوامل موثر بر مشارکت کودکان

این ارزیابی‌ها برای طراحی و اجرای مشارکت با رعایت اصل «بدون آسیب» اهمیت دارند.

اصل «بدون آسیب» یعنی به حداقل رساندن خطر آسیب دیدن بیش تر یا دوباره گروه هدف در جریان مداخله. در این بحث، اصل «بدون آسیب» یعنی جلوگیری از آسیب دیدن روانی و جسمی کودک و به خطر نیفتادن سایر حقوقش بر اثر اجرای برنامه‌های مشارکت کودکان.

هر فعالیت مشارکتی ارزیابی‌های مرتبط با خطر مختص خودش را نیاز دارد. البته به طور کلی وقتی از فعالیت در چهارچوب نظام‌های دیکتاتوری مانند جمهوری اسلامی ایران صحبت می‌کنیم، خطر امنیتی/سیاسی اولین و مهم‌ترین خطری است که باید مورد شناسایی قرار بگیرد. اما همین خطر در شرایط مختلف، به شکل‌های متفاوتی قابل تحلیل است که در بخش بعد (تحلیل خطر) به آن خواهیم پرداخت.

به عنوان مثال، خطرات امنیتی/سیاسی مشارکت فرهنگی کودکانی متعلق به یکی از قوم‌ها، مانند کودک عرب، با کودکی که متعلق به گروه‌های در حاشیه نیست قابل مقایسه نیست. کودکان گروه‌های قومی به دلیل تبعیض ساختاری و نگاه امنیتی به محل زندگی‌شان با محدودیت‌های امنیتی بیش تری روبرو هستند. این، به معنای توقف مشارکت یک کودک عرب نیست؛ بلکه شناسایی دقیق تر خطر و داشتن برنامه برای کاهش آن است. اما تمام خطرات ارزیابی شده در این بخش، متوجه حکومت نیست. در نظر گرفتن تبعیض‌های جنسی/جنسیتی به ما نشان می‌دهد که فعالیت یک دختر یا یک کودک با هویت جنسیتی متفاوت و متعلق به جامعه کوپیر با خطراتی به مراتب بیش تر از یک پسر روبرو است. گرچه حکومت با حمایت نکردن قانونی، آموزش ندادن و دامن زدن به انگ‌ها، تبعیض‌ها و رفتارهای غلط فرهنگی، به خطراتی که متوجه دختران و افراد جامعه ال‌جی‌بی‌تی کیو است نقش موثر دارد، اما همچنان نقش جامعه در تداوم و تشدید این فشارها قابل کتمان نیست.

▪ ارزیابی خطرات حوزه دیجیتال

انبوه داده‌ها، استفاده بیش از حد از اینترنت، محیط غیردوستدار کودک، قلدری و آزارگری در فضای مجازی، آزار و بهره‌کشی جنسی، دزدیده شدن اطلاعات شخصی کودکان و خطر تنبیه و مجازات بر اثر به اشتراک گذاشتن نظرات از جمله خطرات حوزه دیجیتال است که باید لحاظ شوند.

چنانچه از این مثال‌ها پیداست، تمام این خطرات متوجه نهادهای امنیتی حکومت نیست، گرچه خطر آن‌ها را باید جدی گرفت. اما در مورد کودکان (و البته بزرگسالان) آسیب‌های مربوط به فعالیت در فضای مجازی، از مرز ناقضان حکومتی حقوق کودک فراتر می‌رود و باید ابعاد وسیع خطرات را در نظر گرفت.

با این حال از آن‌جا که حکومت نقش پررنگی در ایجاد فضای ناامن مجازی برای فعالان ایفا می‌کند، مراقبت از امنیت مجازی کودکان برای مقابله با این خطرات نیز اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند.

■ خطرات مرتبط با نادیده گرفته‌شدن یک گروه به دلیل جنسیت، هویت

جنسی، توانایی، تعلق قومی، تعلق مذهبی و سایر تفاوت‌ها

گرچه در مثال مرتبط با خطرات سیاسی به کودکان متعلق به قوم‌ها اشاره شد، اما در این بخش باز هم منظورمان تنها محدودیت‌ها و تبعیض‌های ساختاری و سیستماتیک نیست. گرچه رفتار حکومت به رفتار جامعه شکل می‌دهد یا آن را تشدید می‌کند، اما در ارزیابی خطرات باید نادیده و ناشنیده گرفته‌شدن کودکان گروه‌های متفاوت به دلیل تفاوت‌هایشان را در نظر گرفت و آن‌جا که مربوط به جامعه، رسانه‌ها و فضای مجازی است، اقدامات لازم برای تغییر رفتار را در حد امکان اجرایی کرد.

ب- تحلیل خطرات

■ چه خطری، متوجه چه گروهی است؟

چنانچه اشاره شد خطرات متنوع می‌تواند گروه‌های مختلفی از کودکان را به دلیل تفاوت سن، جنسیت، قوم، مذهب، محل تولد یا محل زندگی به شکل متفاوتی تحت تاثیر قرار دهد. این طبقه‌بندی به ما کمک می‌کند تا استراتژی مناسبی برای هر کدام از این گروه‌ها داشته باشیم.

به عنوان مثال خیزش «زن، زندگی، آزادی» شرایط زندگی و موقعیت فرهنگی مردم بلوچ در سیستان و بلوچستان را برای شهروندان بیش‌تری نمایان کرد. با داشتن این دانش، احتمالاً این موضوع نیز روشن‌تر شده باشد که نوع خطری که کودک دختر بلوچ در جریان مشارکت سیاسی خود در خیزش «زن، زندگی، آزادی» تجربه می‌کند، قابل

مقایسه با دختر غیربلوچ یا پسری در همان منطقه نیست. یکی دیگر از چالش‌هایی که برخی کودکان در سیستان و بلوچستان تجربه می‌کنند، نداشتن شناسنامه و اوراق هویتی است. با در نظر گرفتن این موضوع فعالان سیاسی، مدنی و اجتماعی نیاز پیدا می‌کنند تا لایه‌های بیش‌تری از تبعیض و نادیده گرفته شدن را لحاظ کنند و مراقب باشند تا در ارائه راهکارها و طراحی برنامه‌هایی که قرار است صدا و نظر کودکان را منعکس و مشارکت آن‌ها را تضمین کند، این گروه از کودکان نادیده گرفته نشوند.

■ چه اندازه احتمال به وجود آمدن خطر وجود دارد؟

برخی از خطرات، گرچه کوچک است، اما احتمال به وجود آمدن آن‌ها زیاد است یا برعکس. مثلاً بر اساس شواهد موجود ممکن است بتوانیم بگوییم که اگر یک کودک پسر که به اقلیت قومی خاصی تعلق ندارد در حوزه محیط زیست آگاهی‌رسانی کند، اگر با برخورد پلیسی مواجه شود، احتمالاً در حد گرفتن تذکر و توقف فعالیت‌اش خواهد بود. اما به خصوص بعد از خیزش «زن، زندگی، آزادی» یک کودک دختر به دلیل مواجه شدن با سایر ستم‌ها، ممکن است با دلایل مختلف از جمله حجاب و پوشش حتی با خطر دستگیری هم روبرو باشد. احتمال به وجود آمدن هر دو خطر (برای کودک پسر و دختر) بالاست اما خطری که کودک دختر را تهدید می‌کند به مراتب بزرگ‌تر از کودک پسر است. یا چنانچه اشاره شد، می‌توان با توجه به شواهد تصور کرد که کودک عربی که در خوزستان فعالیت فرهنگی کند با احتمال بالایی با خطر برخورد امنیتی و حتی بازداشت روبرو خواهد شد.

■ شدت خطر و آسیبی که وارد می‌کند چه اندازه است؟

در این بخش به صورت دقیق‌تر، میزان و نوع آسیبی که خطر ایجاد می‌کند ارزیابی می‌شود. مثلاً اگر خطر دستگیری وجود دارد، حتی با رعایت اصول دادرسی عادلانه نیز خطر شدیدی محسوب می‌شود. برای همین قوانین بین‌المللی دستگیری کودک را آخرین راه حل عنوان می‌کنند. اما آسیبی که دستگیری به کودک می‌زند با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر نظام امنیتی/قضایی جمهوری اسلامی ایران، تنها به خطرات عمومی مرتبط با دستگیری یعنی حوزه آسیب‌های روانی، اختلال در روند تحصیل و ایجاد پرونده قضایی و تبعات آتی مرتبط با آن محدود نمی‌شود؛ خطرات مرتبط با بدرفتاری که به آسیب‌های

جسمی و آزار جنسی می‌تواند بینجامد، بخش دیگری از آسیب‌هایی است که ناشی از خطر بازداشت و دستگیری کودکان است. باز هم یادآوری می‌کنیم که:

هدف از شناسایی خطرات، متوقف کردن فعالیت نیست، بلکه قدم برداشتن در روشنایی نسبی و داشتن برنامه برای کاهش آسیب است.

■ راه‌های پیشگیری یا کاهش خطر چه می‌تواند باشد؟

بر اساس پاسخ به سوالات طرح‌شده در تحلیل خطر، می‌توان استراتژی‌هایی را با رعایت اصل «بدون آسیب» در نظر گرفت و اجرایی کرد.

نمونه‌هایی از زمینه‌های نیازمند به استراتژی‌های کاهش خطر:

۱- **نقض حق بر سلامت روانی کودکان:** سلامت روانی کودکان در جریان مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، مدنی و اجتماعی به شکل‌های مختلف ممکن است به خطر بیفتد. مشارکت جمعی، حضور در جمع بزرگسالان، تلاش برای شناسایی چالش‌هایشان و اجرای عمومی و جمعی فعالیت‌های گروهی می‌تواند برای کودکان اضطراب‌آور باشد. اضطراب در هر سطحی برای کودکان آسیب‌زا تلقی می‌شود. اما آسیب‌های برشمرده، آسیب‌های عمومی مشارکت کودکان است. کودکان به دلیل موضوع فعالیت‌شان نیز می‌توانند از سوی مخالفان موضوع مورد بحث، هدف حمله فیزیکی، روانی یا سایبری قرار بگیرند. فعالان قومی از جمله فعالان «آموزش به زبان مادری»، فعالان جامعه‌ال‌جی‌بی‌تی کیو و تا حدی فعالان مدافع حقوق زنان - فارغ از نوع حکومت‌ها و بدون در نظر گرفتن سن مشارکت‌کنندگان - در اغلب کشورها هدف حمله هستند. حملات افراد به خصوص مردان در قدرت حتی فعالان محیط زیستی از جمله نوجوانان فعال را نیز بی‌نصیب نگذاشته است. در آخر باید به رفتارهای خشونت‌بار حکومت‌های سرکوب‌گر و دیکتاتوری مانند جمهوری اسلامی ایران در برابر فعالیت‌های مدنی، اجتماعی و سیاسی اشاره کرد. گرچه سطح خشونت در برخورد حکومت ایران با کودکان تا حد قتل آن‌ها نیز کشیده شده است،

اما در بسیاری از موارد به دلیل آسیب‌پذیرتر بودن کودکان، حکومت‌ها از جمله در ایران از سیاست تهدید و ارباب استفاده می‌کنند. چه تهدید، خشونت فیزیکی و حتی قتل به انفعال بینجامد یا جامعه و کودکان را بیش‌تر به کنشگری وادار کند، از اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت آسیب‌های روانی چنین رفتارهایی نمی‌توان گذشت.

از جمله استراتژی‌های مهم برای حفاظت از حق کودکان بر سلامتی، می‌توان به مراقبت روانی از کودکان در جریان فعالیت‌های مشارکتی اشاره کرد. برای این منظور می‌توان به دو راهکار کلی زیر اشاره کرد:

- خط تماس امن
 - ارائه راهنمایی‌ها و آموزش‌های عمومی (در فضای رودررو یا آن‌لاین)
- هر دو راهکار اشاره‌شده و راهکارهای دیگر قابلیت ارائه به صورت امن، داوطلبانه و تا حدی فراگیر از سوی نهادها و فعالان و متخصصان خارج و داخل ایران را دارد. همچنین بخشی از آموزش‌ها و راهنمایی‌ها باید متوجه خانواده‌ها و اطرافیان کودکان باشد تا دانش‌شان در برخورد با کودکان بالاتر برود. نیز هر کدام از فعالان و کنشگرانی که فعالیت کنشگری را طراحی و اجرا می‌کنند و قصد دارند اصل مشارکت کودکان را اجرایی کنند، لازم است از حضور متخصصان روان‌شناسی برای اطمینان از تضمین این حق کودکان، یعنی حق بر سلامت روانی، بهره‌برند.

اما پیش از ارائه هر راهکاری، انگ‌زدایی از حرف‌زدن درباره آسیب‌های روانی و کمک‌گرفتن در این باره از متخصص و سایرین، اهمیت دارد. اخبار متعدد خودکشی افراد از جمله نوجوانان در جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی»، به‌خصوص بعد از آزادی از بازداشتگاه، نیاز به چنین گفت‌وگوهایی را بیش‌تر معلوم می‌کند. «قهرمان‌پنداری» معترضان، می‌تواند امکان چنین گفت‌وگوهایی را کاهش دهد. هم جامعه انتظار نابجا و زیادی از «قهرمان» دارد و هم فردی که خودش یا گروهی که به آن متعلق است «قهرمان» پنداشته شده، در موقعیتی قرار می‌گیرد که هر کمک‌گرفتنی، نشانه ضعف تلقی می‌شود؛ وضعی که شایسته «قهرمان» نیست. به همین دلیل است که نگاه «حق-محور» داشتن به اعتراض، مشارکت و فعالیت مدنی، اجتماعی و سیاسی اهمیت پیدا می‌کند. پیشنهاد عمومی در مورد مراقبت روانی از کودکان، ایجاد فضای امن برای گفت‌وگو با کودک است که طی آن کودک بتواند از احساسات و نیازهایش بگوید. توجه به تغییرات ناگهانی رفتار و

عادات کودک هم می‌تواند نشانه‌هایی از بروز احساسات منفی و آسیب روانی را برای والدین و اطرافیان کودک نمایان کند.

نگاه «حق‌محور» به اعتراض و فعالیت مدنی کودکان به جای «قهرمان‌پنداری» معترض، می‌تواند امکان حمایت روانی از کودکان در جریان فعالیت مدنی‌شان را بهتر فراهم کند.

۲- **نقض حق بر سلامت جسمی و حق بر زندگی:** جنبش «زن، زندگی، آزادی» تنها زمانی نبود که حکومت جمهوری اسلامی نشان داده است که برای سلامت جسمی و جان کودکان ارزشی قائل نیست. چه پیش از آن در جریان جنبش‌ها و اعتراضات مردمی یا در مورد گروه‌های مختلف کودکان، مانند کودکان عرب، کرد، بلوچ، ترک یا ترکمن، حکومت نشان داده است که به وظایف و تعهدات خودش در مورد حفاظت از کودکان اهمیت نمی‌دهد. بعد از این خیزش نیز جریان مسموم کردن کودکان در مدارس، که عمدتاً کودکان دختر را هدف قرار داده بود، نشان داد که اراده‌ای برای حفاظت از کودکان وجود ندارد، بلکه برعکس، آن‌ها هدف حمله و آسیب‌دیدن قرار دارند. در چنین شرایطی، خطرات و آسیب‌های مشارکت مدنی، اجتماعی و سیاسی کودکان جدی و غیرقابل انکار است. حتی زمانی که مطالبه کودکان تا این اندازه سیاسی نباشد، مانند مطالبه حقوق اولیه کودکان دارای معلولیت، حکومت نشان داده است که می‌تواند برخورد خشن و حداکثری داشته باشد. به این ترتیب در نظر گرفتن تبعات جسمی و جانی مشارکت کودکان، اهمیت دارد.

آگاهی حقوقی کودکان و خانواده‌ها، هماهنگی جمعی، اطلاع‌رسانی و نادیده‌گرفتن تهدیدات یا وعده‌های مقامات امنیتی و انتظامی، و همچنین داشتن برنامه و استراتژی‌های کاهش خطر با مشارکت کودکان، می‌توانند از شدت خطرات بکاهند. با در نظر گرفتن تمام آنچه در این جزوه درباره حق کودکان بر مشارکت و حق آن‌ها بر تصمیم‌گیری درباره چگونگی مشارکت‌شان مطرح شد، این را در نظر داریم که کودکان به دلیل ویژگی‌های سنی و رشد عقلی‌شان، برای ارزیابی خطرات، برآورد صحیح از نتایج عمل‌شان و اتخاذ استراتژی‌های کنترل خطر، به کمک و همراهی بزرگسالان نیاز دارند. این، هنر بزرگسالان

است که با در نظر گرفتن سن و رشد عقلی کودک، بتوانند روش مناسب مشارکت را با کمک کودک انتخاب کنند و با تسهیل‌گری و بدون اعمال قدرت، بتوانند کودکان را در انتخاب روش‌های کم‌خطرتر مشارکت یاری کنند. این موضوع، به‌خصوص در مورد نوجوانان اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند. احتمال این‌که این گروه سنی بدون هماهنگی و مشورت با بزرگسالان دست به اقدام بزند، بالاتر از سایر گروه‌های سنی است. میزان کنترل والدین و بزرگسالان بر این گروه نیز پایین‌تر است. اما همچنان آن‌ها آسیب‌پذیر تلقی می‌شوند. نسبت دادن رفتار کودکان به «شجاعت» یا «قهرمانی»، می‌تواند نیاز آن‌ها به همراهی آگاهانه بزرگسالان را تحت تاثیر قرار دهد. آموختن روش‌های گفت‌وگوی موثر، از مهم‌ترین ابزارهایی است که والدین و بزرگسالان باید به آن مجهز شوند. از طریق گفت‌وگوی موثر و آگاهی از روش‌های مختلف مشارکت کودکان، در برخی موارد می‌توان با کمک خود آن‌ها به شکل‌های کم‌خطرتر مشارکت و انعکاس دادن صدای‌شان رسید. از جمله مواردی که یادآوری و تکرار آن در این بخش اهمیت دارد، آگاهی کودک به خطرات دنیای مجازی (مثلاً هنگام برداشتن تصویر از خود و همسالانش در جریان مشارکت مدنی) یا لزوم مراقبت روانی از خودش (از جمله انگ‌زدایی از کمک گرفتن از متخصصان یا دوستان برای حمایت روانی) است.

نسبت دادن رفتار کودکان به «شجاعت» یا «قهرمانی»، می‌تواند نیاز آن‌ها، به‌خصوص نوجوانان، به همراهی آگاهانه بزرگسالان را تحت تاثیر قرار دهد.

۳- مشارکت همراه با تبعیض: کودکان به دلایل مختلف ممکن است از مشارکت باز بمانند. کودکان دارای معلولیت، کودکان دختر یا کودکان با هویت‌های جنسیتی متفاوت، کودکان متعلق به اقلیت‌های قومی یا مذهبی، کودکان مهاجر و کودکانی صرفاً به دلیل محل زندگی، هر کدام ممکن است در مسیر تدوین اهداف، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های

مشارکتی جا بمانند، نادیده گرفته شوند، حذف شوند یا صدایشان شنیده نشود. برای جلوگیری از نقض حق مشارکت بدون تبعیض کودکان، آموزش کودکان و بزرگسالان و داشتن استراتژی‌های روشن برای مشارکت بدون تبعیض می‌تواند موثر باشد. از جمله این استراتژی‌ها «پرهیز از کلیشه‌سازی»، از جمله کلیشه‌های جنسیتی در ارتباط با توانایی و نقش‌آفرینی در مشارکت است.

همچنین داشتن چک لیستی از اقدامات لازم برای پیشگیری از کنار گذاشته شدن گروهی از کودکان و تجربه مجدد تبعیض، می‌تواند به کاهش خطر مشارکت همراه تبعیض کمک کند. در جوامع مردسالار، ایجاد لایه‌های مضاعف امنیتی برای مشارکت و اظهار نظر دختران و گروه‌های جنسیتی متفاوت با اهمیت است.

همان‌طور که برای مشارکت تمام کودکان، این اصل کلی باید رعایت شود که کودکان دیدگاه و نظر مستقلی دارند و بزرگسالان نمی‌توانند به جای آن‌ها فکر کنند یا حرف بزنند، در مورد کودکان آسیب‌پذیرتر نیز همین اصل باید رعایت شود. هیچ کودکی نمی‌تواند نظر تمام کودکان را نمایندگی کند. همچنین باید در نظر گرفت که شنیده‌نشدن صدای گروهی از کودکان به معنای نداشتن حرف و نظر نیست. بنابراین باید به موانعی که به شنیده‌نشدن صدای آن‌ها می‌انجامد، فکر کرد. به عنوان مثال ممکن است کودکان دختر در جمع کودکان پسر، صرفاً به دلیل فرهنگ مردسالاری، از اعتماد به نفس کافی برای بیان نظراتشان برخوردار نباشند. سکوت کودکان دختر در چنین جمع‌هایی می‌تواند هشدار برای نادیده گرفته شدن نظراتشان باشد. توجه به این نکته، در نحوه تسهیل‌گری و اداره جلسات گروهی با کودکان، اهمیت پیدا می‌کند.

در جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی» گرچه صدای کودکان به طور کلی به درستی شنیده نشد، اما در موارد زیادی تحلیل‌گران نظر کودکانی را که به دلیل سطح دسترسی به رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی، صدای بلندتری داشتند، به عنوان نظر تمامی کودکان بازتاب دادند. به این ترتیب مجدداً صدای بسیاری از کودکان به خصوص کودکان متعلق به گروه‌های قومی، مانند کودکان بلوچ یا کرد ناشنیده ماند. فعالان، متخصصان و رسانه‌ها با همکاری فعالان و کنشگران متعلق به اقوام که دسترسی محلی بیش‌تری دارند، می‌توانند زمینه‌های بازتاب نظر کودکان در آن مناطق را نیز فراهم کنند. همچنین یادآوری می‌کنیم که کودکان، با حفظ امنیت، باید بتوانند خودشان تحلیل‌گر و تفسیرکننده کنشگری و

فعالیت مدنی خودشان باشند. بنابراین صرف دیده‌شدن کودکان در یک فعالیت جمعی و شنیدن تفسیر و تحلیل بزرگسالان، به معنای شنیده‌شدن صدای کودکان نیست.

۴- اعمال قدرت سنی: یکی دیگر از آسیب‌های مرتبط با مشارکت کودکان، اعمال قدرت کودکان بزرگسال و نوجوانان بر کودکان با سنین کم‌تر است. کودکان با سنین مختلف گرچه می‌توانند بر یکدیگر برای تشویق و آموزش مشارکت تاثیر مثبت و موثر بگذارند، همچنین می‌توانند اعتماد به نفس یکدیگر را بگیرند یا همدیگر را کنترل کنند. آگاهی نسبت به این خطر و داشتن برنامه برای جلوگیری از آن اهمیت دارد.

یکی از راه‌های پیشگیری از این آسیب، تفکیک سنی و ایجاد گروه‌های سنی مختلف برای مشارکت کودکان است. البته چنانچه اشاره شد، گروه‌های سنی مختلف می‌توانند تاثیر مثبت هم بر هم بگذارند. بنابراین می‌توان با کمک متخصصان، برنامه‌های مشترکی نیز اجرا کرد. در این برنامه‌ها، نظارت بر مشارکت همگانی اهمیت دارد. همچنین گاهی دادن مسئولیت به کودکان بزرگسال، می‌تواند تاثیر مثبتی بر تغییر جهت کنترل‌گری ایجاد کند. دادن نقش تسهیل‌گر به نوجوانان و کودکان با سنین بیش‌تر، هم به خود کودکان آموزش می‌دهد و هم امکان کنترل‌گری آن‌ها و حذف گروه‌های سنین پایین‌تر را کم‌تر می‌کند.

۵- ناامنی در فضای مجازی: چه زمانی که فعالیت مدنی، اجتماعی و سیاسی کودکان در فضای مجازی انجام می‌شود و چه زمانی که شبکه‌های اجتماعی و اینترنت برای کسب اطلاعات یا بازتاب مشارکت کودکان استفاده می‌شود، کودکان می‌توانند با آسیب‌های مختلفی مواجه شوند. پیش‌تر در همین بخش به آسیب‌های مرتبط با حضور در دنیای مجازی اشاره شد. داشتن آگاهی و سواد دیجیتال و امنیت دیجیتال از مهم‌ترین ابزارهای کنترل و کاهش خطرات مرتبط با دنیای مجازی است. هم بزرگسالان و اطرافیان کودکان و هم کودکان به چنین آموزش‌هایی نیاز دارند. در شرایطی که حکومت به وظایف خود برای آموزش و زمینه‌سازی قانونی و عملی ایجاد فضای دوستدار کودک عمل نمی‌کند، وظیفه ما بزرگسالان برای حمایت حداکثری از کودکان بیش‌تر می‌شود. ایجاد تعادل بین حق کودک به دسترسی آزادانه به اطلاعات و حق کودک به داشتن امنیت، گرچه هیچ‌گاه به طور کامل عملی نخواهد شد، اما نیازمند آگاهی و تلاش ما است. در این باره،

نظریه تفسیری شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک سازمان ملل^۱، گرچه خطاب به دولت‌ها نوشته شده است، اما همچنان کمک‌کننده و راهگشاست.

1- General comment No. 25 (2021) on children's rights in relation to the digital environment.

قدم‌هایی برای آینده

در این جزوه بارها تکرار کردیم که بیان خطرات به منظور جلوگیری از مشارکت کودکان نیست. ایجاد مانع برای فعالیت مدنی، اجتماعی و سیاسی کودکان، حتی اگر ممکن باشد، خلاف حقوق آن‌هاست. تمام تلاش این جزوه تشریح حق کودکان بر مشارکت و آماده‌بودن برای ایجاد محیط امن برای تحقق این حق بود. همچنان با اشاره به مثال‌هایی از جمله نمونه‌هایی از شرایطی که در آن تحت حکومت ناقض حقوق کودک، ناامنی برای مشارکت کودکان ساختاری و سیستماتیک است، تلاش کردیم تا نشان دهیم همچنان وظیفه ما، حمایت حداکثری از کودکان و حقوق آن‌هاست.

از طرف دیگر موضوع مشارکت امن کودکان تنها منوط به تغییر حکومت و استقرار حکومت دموکراتیک با معیارها و قوانین حقوق بشری نیست؛ فعّان مدنی و سیاسی و رسانه‌ها در شرایط فعلی، یعنی مبارزه و تلاش برای تغییر شرایط نیز موظف‌اند تا حق کودکان بر مشارکت را رعایت کنند. در این جزوه در این باره نیز نکاتی را گفتیم تا نشان دهیم چطور می‌توانیم و لازم است تا در تمام فعالیت‌هایمان صدای کودکان را آن‌طور که هست انعکاس دهیم.

یکی از راه‌هایی که بارها به آن اشاره کردیم، آموختن درباره حقوق کودکان و رعایت آن توسط تمام کنشگران و فعّان است. آموزش‌شده توانا دو جزوه «حقوق کودکان و نوجوانان: از تولد تا ۱۸ سالگی» و «عدالت برای کودکان و نوجوانان» را منتشر کرده

است، که خواندن آن‌ها کمک‌کننده خواهد بود. همچنین موسسه آموزشی ایران آکادمیا نیز دوره‌ای آموزشی را به نام «حمایت از حقوق کودکان در ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها» طراحی کرده است که علاقه‌مندان می‌توانند با ثبت نام رایگان، از محتوای آن استفاده کنند و در صورت طی کامل دوره، گواهی‌نامه نیز دریافت کنند.

امیدواریم شرایطی فراهم شود تا نهادهای مدنی و کنشگران در داخل و خارج از ایران که فعالیت‌های خود را با مشارکت کودکان طراحی و اجرا می‌کنند، بتوانند با مستندسازی فعالیت‌های خود، زمینه یادگیری از تجربه‌های خود را فراهم کنند و حق بر مشارکت کودکان به عنوان یکی از حقوق پایه‌ای کودکان بیش از پیش و توسط تمام گروه‌ها رعایت شود.

نقش رسانه‌ها نیز نه تنها در بازتاب صدای کودکان بلکه در آموزش جامعه مدنی در زمینه لزوم رعایت حقوق کودکان و شنیدن صدا و نظر آن‌ها انکارناپذیر است.

منابع

۱. پیمان نامه حقوق کودک - متن فارسی؛ دفتر سازمان ملل متحد در ایران.
2. Guidance on Adolescent Participation and Civic Engagement, Unicef, 2020.
3. A Handbook for Child Participation in Parliament, Save the Children, 2011.
4. Committee on the Rights of the Children; General Comments No. 12, 2009.
5. Measuring the creation of a participatory and respectful environment for children, Save the Children.
6. Children Participation in the Work of NHRIs, UNICEF, 2018.

